



تالار هنر و زندگی، عکس: کتابخانه موزه ملی ملک

اندیشه و کنش ایرانیان در گذر تاریخ چگونه «هنر» و «زندگی» را در منظومه خانه هم‌نشین می‌کرد

پرواز تاریخ و خاطره در خانه ایرانی

◀ پرسه‌ای در میان اشیا و آثار تالار «هنر و زندگی» در کتابخانه و موزه ملی ملک

انسیم خلیلی|

گوناگون به شمار می‌آیند. پرده قلاب‌دوزی رشت از آن دسته است که اصطلاحاً رشتی‌دوزی نامیده می‌شود و نقش‌هایی شبیه لچک و تریخ را بیچ در قالی ایرانی دارد، نیز پرده‌های زیبای قلمکار که نه با مَهرهای امروزی که با دست هنرمندان نقش شده‌اند.

مرغکانی پرواز کنان در گلزار خانه

این همه و زیبایی و نقش در فرش زیسر یا پرده روی دیوار تا سرمه‌مان گل‌گیر شمع و دیگر اشیای زیبای تالار «هنر و زندگی» اما گاه نقشی بر عقدنامه‌های صاحبان این عمارت‌ها شده است؛ عقدنامه‌هایی سرشار از اسلیمی‌ها و گل‌های ختایی به خط خوش که آغاز یک زندگی تازه را در میان رنگ و نقش و هنر قاب گرفتند. این عقدنامه‌های زیبا با خوش‌نویسی‌های دل‌انگیزشان، تاریخ هنر حماسه دینی مختار را در پشتیبانی و خونخواهی از قیام کرپلا، سال‌ها بر دیوار عمارتی در این سرزمین به یاد صاحبانش می‌آورده است. به جز پرده‌های قلم‌محور و معلوف به باورهای دینی و مذهبی، دست‌یافته‌هایی دیگر نیز در این تالار زیبا می‌توان دید که تکه‌هایی از هنر محلی و بومی منطقه‌ای

بودند. با برگ‌زدن تهران به پایتختی قاجارها و پاهایت را روی گل‌ها و اسلیمی‌ها، موجودات بالدار فرازمینی‌اش در نبرد با فیلیچه‌ها می‌گذاری، نبردی که شاید یادآور نبرد همیشگی خیر و شر است. جهان معرفت و هنر ایرانی، همسان این نقش‌ها را در فرش‌های نقش‌آزدهایی که در تاریخ هنر به نام قالی ارمنی آوازه یافته است نیز می‌توان جست. مورس اسون دیماندر در کتاب «راهنمای صنایع هنر» درباره قالی‌ها نوشته است «این قالی‌ها دارای طرح لوزی برگ‌های دندانه‌دار است که در داخل آنها شکل آژدها که گاهی درحال جدال با عنقاس کشیده شده است.» او سپس تأکید می‌کند «مفاسک است قالی‌های نقش حیوانی که در نقاشی‌های قرن دهم و یازدهم هجری دیده می‌شود نمونه و سرمشق قالی‌های نقش آژدهای دوره بعد واقع شده باشد. ردپای ایسن تأثیرگذاری تاریخی را در قالی زیبای تالار «هنر و زندگی» کتابخانه و موزه ملی ملک نیز می‌توان پی گرفت. هرچند درباره قالی بافت تهران چنین روایت شده است که نخستین بافندگان قالی تهران، ساکنان مناطق روستایی پیرامون

جهان را به یسات آورد. گام از گام که برمی‌داری و پاهایت را روی گل‌ها و اسلیمی‌ها، موجودات بالدار فرازمینی‌اش در نبرد با فیلیچه‌ها می‌گذاری، نبردی که شاید یادآور نبرد همیشگی خیر و شر است. جهان معرفت و هنر ایرانی، همسان این نقش‌ها را در فرش‌های نقش‌آزدهایی که در تاریخ هنر به نام قالی ارمنی آوازه یافته است نیز می‌توان جست. مورس اسون دیماندر در کتاب «راهنمای صنایع هنر» درباره قالی‌ها نوشته است «این قالی‌ها دارای طرح لوزی برگ‌های دندانه‌دار است که در داخل آنها شکل آژدها که گاهی درحال جدال با عنقاس کشیده شده است.» او سپس تأکید می‌کند «مفاسک است قالی‌های نقش حیوانی که در نقاشی‌های قرن دهم و یازدهم هجری دیده می‌شود نمونه و سرمشق قالی‌های نقش آژدهای دوره بعد واقع شده باشد. ردپای ایسن تأثیرگذاری تاریخی را در قالی زیبای تالار «هنر و زندگی» کتابخانه و موزه ملی ملک نیز می‌توان پی گرفت. هرچند درباره قالی بافت تهران چنین روایت شده است که نخستین بافندگان قالی تهران، ساکنان مناطق روستایی پیرامون

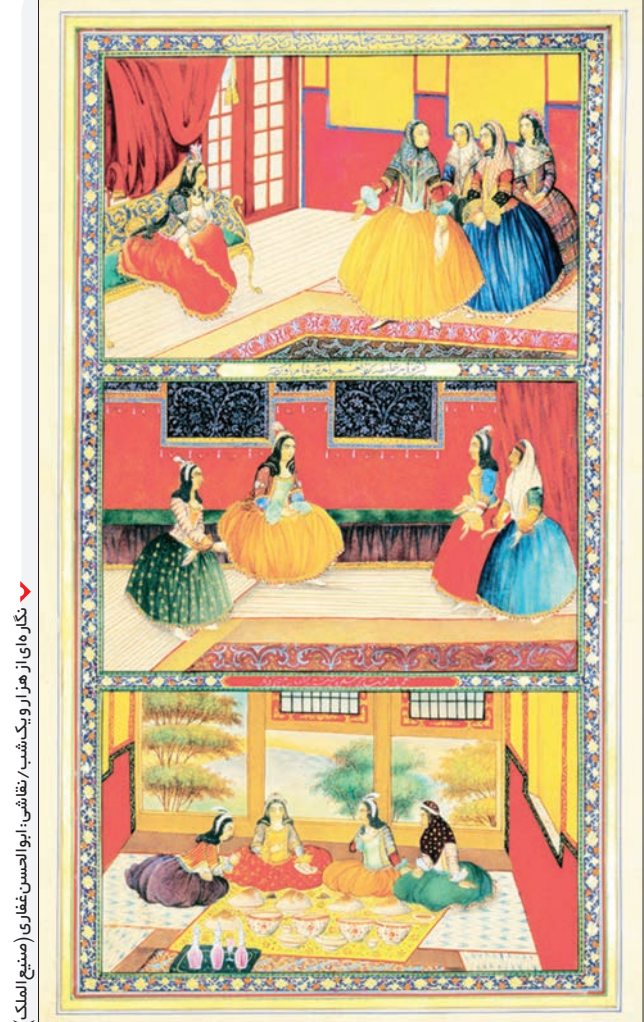
جهان را به یسات آورد. گام از گام که برمی‌داری و پاهایت را روی گل‌ها و اسلیمی‌ها، موجودات بالدار فرازمینی‌اش در نبرد با فیلیچه‌ها می‌گذاری، نبردی که شاید یادآور نبرد همیشگی خیر و شر است. جهان معرفت و هنر ایرانی، همسان این نقش‌ها را در فرش‌های نقش‌آزدهایی که در تاریخ هنر به نام قالی ارمنی آوازه یافته است نیز می‌توان جست. مورس اسون دیماندر در کتاب «راهنمای صنایع هنر» درباره قالی‌ها نوشته است «این قالی‌ها دارای طرح لوزی برگ‌های دندانه‌دار است که در داخل آنها شکل آژدها که گاهی درحال جدال با عنقاس کشیده شده است.» او سپس تأکید می‌کند «مفاسک است قالی‌های نقش حیوانی که در نقاشی‌های قرن دهم و یازدهم هجری دیده می‌شود نمونه و سرمشق قالی‌های نقش آژدهای دوره بعد واقع شده باشد. ردپای ایسن تأثیرگذاری تاریخی را در قالی زیبای تالار «هنر و زندگی» کتابخانه و موزه ملی ملک نیز می‌توان پی گرفت. هرچند درباره قالی بافت تهران چنین روایت شده است که نخستین بافندگان قالی تهران، ساکنان مناطق روستایی پیرامون

نگار «خانه» ایرانی

سیدمجتبی حسینی

زیستن در سرزمین کهن ایران، به همان اندازه زیبایی، دشواری به همراه دارد. تنوع گسترده اقلیم، گوناگونی اقوام و به پیروی از آن، آداب، آیین‌ها و رسوم، کم‌آبی، کویر پهناور و کوهستان‌های افراشته، منظومه‌ای گسترده از زیبایی، گوناگونی و سختی می‌نمایاند. گردآوری این همه در پهنه‌ای یکپارچه به نام ایران اما دشوار خواهد بود. راز پیروزی بر دشواری‌ها، پیوندهایی ژرف و باورمند به شمار می‌آید که در رگ و بی‌ساکت‌ان این نجد، همچون خون جاری است. رشت‌های استوار و محکم، دانه‌های رنگین ایران ۷هزار ساله را در کنار هم به مهر نشانده، آنچنان که گویی همه این تفاوت‌ها، فرصت، امتیاز، افتخار و دوستی مضاعف برای ایرانیان آفریده است.

باور به کمال و جمال، یکی از این پیوندهای جانانه است. ایرانیان فارغ از هر قوم و قاعده برای دستیابی به کمال هر خوبی و بازآفرینی شایسته‌ترین زیبایی از جان می‌گذرند و از هیچ کوششی فرومی‌گذارند. موجدوبون ایرانیان دورترین زمان‌ها، روشن‌ترین گواه این طبع بلند به شمار می‌آید. ایرانیان حتی در وسایل و اسباب زندگی روزمره، خلدخانه‌های فراتر از کاربری می‌جستند، گویی بر آن بودند شمایل غایی و مینوی اشیا را نقش بندند. این کوشش در نگاه ایرانی، خودصورتی از شکر و سپاس خداوند یکتای مهربان و ادای احترام به انسان بوده است؛ انسانی که مقرر شده مخاطب و کاربر هر شی باشد. این باور چنان ژرف و درونی بوده است که همچون یک هوک گرم‌در هر اثر هنری و تزئینی ایرانی به‌چشم می‌آید.اسباب‌زیگی بدین ترتیب، خود به اثر تبدیل شدند و آن آثار در یک آمدوشد پیوسته با آدمی جای گرفتند. آدمیان، شکل‌دهنده آثارند و آثار، به کمال و جمالی که از حضور انسان باورمند یافته‌اند، خلدخانه زندگی به شمار می‌آیند. کسی که «شانه» زر کوب منقوش به اسلیمی و ختایی با دندانه‌های ظریف و نازک داشته باشد، از آراستگی آن دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت در گذرد. چنین می‌شود که خانه ایرانی، دیگر تنها یک خانه نیست، نگارخانه‌ای است که خود سخن می‌گوید؛ «از کجا آمده‌ایم و کجا می‌رویم، چه می‌کنیم و در چه کاریم؟» نگارخانه زندگی ایرانی از آثاری سرشار است که هر یک، دریچه‌ای به تاریخ، جغرافیا، باورها، خواست‌ها حتی پیوندها با دیگر



نگاره‌ای از هزار و یکشب، نقاشی: ابوالحسن غفاری (صنایع‌المنک)

ملت‌ها، اقوام و ادیان می‌گشایند؛ همچنین از سرگذشتی روایت می‌کنند که با گام‌های آهسته و پیوسته تاریخ سپری شده است.

رنگی بر پیوند «هنر» و «زندگی» در مدار زیست‌ویژه ایرانی در تاریخ، دستاویزی برای بازاندیشی به زندگی، سبک و شیوه زیست در ایران رنگ‌نگ و توجه به پیوندی به شمار می‌آید که میان مردمان این روزگار با گذشته‌ها آینه‌برپا و برجای بوده است.

و مینایی شیشه را می‌نمایاند. در زندگی ایرانیان و در دل عمارت‌های‌شان اما تنها فرش‌ها و نقش‌ها و با روایت‌های‌شان نبوده که آرامش دورهم‌نشینی را فریاد می‌آورده است. میل‌مان و میز پذیرایی نیز در بسیاری از خانه‌های ایرانی به‌ویژه در تاریخ معاصر، جنبه‌ای هنری به خود می‌گرفته است، چنان که گاه رویه میز خاتم‌کاری می‌شده یا سینی قلم‌زنی‌شده بر یک پایه به‌عنوان میز به کار می‌آمده است. در این تالار موزه‌ای در دل مجموعه وقفی حاج حسین آقا ملک، یک میز زیبای پذیرایی به چشم می‌خورد که به سال ۶۰۵ هجری قمری با تکنیک مشبک‌سازی و معرق‌کاری روی چوب در سوره ساخته شده است. کمی آن سوتر میل‌مانی زیبا با همین ویژگی‌ها باز کار هنرمندان است که بناهای بزرگ تاریخی را به یاد می‌آورد که با هنر چوب‌بری و منبت‌کاری آراسته شده‌اند. مسندهای چوبی بیت‌المقدس و مسجد بزرگ دمشق و مسجد قیروان از آن دسته‌اند که در همه آنها اسلوب هنری ساسانیان را نیز می‌توان می‌شناساند که به شاهزاده خاتم عادلیه در شریح الامام الشافعی متعلق بوده و هنر با همان شکوه و ظرافت نمایان شده است که در میل‌مان‌ها و بناهای دیگر دیده می‌شود. هنر، زندگی و مرگ، این‌جا گویی یک ملت باشکوه نمادین ساخته‌اند که هنرمند را در گیر خود کرده است. پژوهشگران البته در این میانه از زیبایی آثار چوبی ایرانی نیز فراوان سخن رانده‌اند. قباد کیانمهر در نشریه «هنرهای زیبا» در زمستان ۱۳۸۳ خورشیدی در نوشتاری، با اشاره به آثار کنده‌کاری چوبی ایرانی همچون در بقعه شاهزاده حسین در قزوین به‌عنوان نمونه‌ای پرآوازه می‌نویسد «یکی از تحولات عمده‌ای که در منبت‌کاری سبک صفوی در مقطع موس شاهزاده خاتم عادلیه علاوه بر بکارگیری نمادهای ایرانی به وجود آمد، در شیوه آن موسوم به تراش‌مقرع با حمیل‌های نازک است مانند مقرع شاهزاده حسین به وضوح ملاحظه می‌شود.» این در زیبا با یک گل شاه‌عباسی در شمشه وسط و دو اسلیمی پرکار، آنچنان بدیع و زیباست که شاید اگر خانه‌های بدان آراسته شود، آن خانه در کمال تابشند. دیگر اثر زیبای چوبی که از تاریخ می‌آید و لطف‌الله هنر فر آن را در کتاب خود «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» و وصف می‌کند، در منبت‌کاری‌شده از دوره آل مظفر است که دهلیز مقبره امامزاده اصفهان به وسیله آن

به مرقد شیعا پیوند می‌یابد؛ با سطح‌های پیچیده و درهم‌تنیده منبت‌شده که ترکیب و تداخل زیبا نقش‌ها و خط‌ها، سطح‌های منبت را افزایش داده است.

باز به میان تالار «هنر و زندگی» بازمی‌گردیم. بر میل‌مان کار سوره می‌نشینیم و به گنجی زیبای بانسوی ایران دست‌غیب بهشتی می‌نگریم که کاسه‌ها و سفیق‌سجایی‌ها با نقش زیبای گل و مرغ را نمایش می‌دهد. این ظرف‌های زیبا با رنگ‌های زنده سبز و آبی و سرخ، نمونه آثار هنری چین‌اند که وجودشان در یک دوره ویژه در خانه‌های ایرانیان، جلوه زیبایی و هنر بوده است. جالب این‌که آرایه‌های گیاهی و هم‌نشینی آنها با پرندگان، از نخستین نقش‌مایه‌های مرسوم در هنر ایران باستان دانسته شده است و تداول این نقش بر ظرف‌های چینی، نشانه‌ای از تأثیرپذیری دوشویه هنر ایران و چین می‌تواند باشد. چنانچه در نگاه‌های زیبای گل و مرغ که در هنر ایلخانیان جلوه می‌نماید نیز پژوهشگران نشانه‌های آن تأثیرهای هنر بیزانسی، قبطی، چینی و ساسانی را در کنار هم دیده‌اند. به نظر می‌رسد رمز زیبایی این نقش‌ها در همین تأثیرها و پیوندهای هنری باشد. حسینی‌ملی‌ماچانی در کتاب «مرغان تسبیح‌گوی» بر این باور است که نخستین نگاره‌های گل در نگارگری ایران باستان، صبه‌واقع‌گرایانه‌اند و این گذر زمان است که این نقش‌ها را از سر زندگی سرشار می‌کند. هنر گل و مرغ هنگامی که به اوج زیبایی خود در دوره زندیه می‌رسد، ایرانیان این نقش را در بسیاری از اشیای کاربردی زندگی روزانه خود به کار می‌گیرند؛ گویی با این نقش‌مایه می‌زیستند. کتاب‌ها و قاب‌پندها، قلمدان‌ها و جلدهای لاک‌ی، همه به نقش‌های گل و مرغ آراسته می‌شدند، از همین‌رو است که طرف‌های چینی گل و مرغ نیز در دسته اشیای محبوب زنان ایرانی در گنج‌های‌شان بوده است. پیوند گیاه و پرند با زندگی، فلسفه‌ای زیبا به شمار می‌آید که شاید به شایسته‌ترین مولاآنا حسن بغدادی، از آن دسته هنرمندان است که اسکندر بیک منشی، طایع‌تارک بزرگ روزگار صفوی، او را در قرن تذهیب و بلاکاری «وحید عنصر» و «باغچه زمان» می‌داند و در بارش آن در قالب پرند نجسم بخشیده‌اند. می‌نویسد «مجملافن تذهیب را به سرحد اعجاز رسانیده بود. جمیع استادان این فن او را در این امر مسلم داشتند. مذهب مولاآنا یاری که این شیوه را بر طاق بلند نهاده بود در برابر ریزه‌کاری و دقیقه‌پردازی او آب و رنگی نندارد.» این عقدنامه زیبا را شاید صاحبانش قاب گرفته بوده‌اند و قاب زیبا سال‌ها زیر نوربان لاله چراغ بلوری دوره قاجار می‌درخشیده است. این لاله بلورهای سرخ‌گون با نقش‌های زیبای بلورین‌شان، روی طاقچه خانه‌های ایرانی کنار قرآن و مفتاح و گلدان چینی گل و مرغ و رادپوهای بزرگ چوبی، سال‌ها نشستند و به جهان ایرانی نگرستانند. این لاله‌ها یک تکه از زیبایی و شکوه هنر شیشه در ایران‌اند که بیشتر، خود را در بطری‌ها و ابرق‌ها و گلدان‌ها و پنجره‌ها و جام‌ها می‌نمایاندند. ژان شاردن، جهانگرد فرانسوی که در دوره صفوی به ایران سفر کرده است، در «سفرنامه شاردن» بهترین گونه این شیشه‌سازی را به شیراز متعلق می‌داند. سر رایت کر نیز در سفرنامه خود این روایت را تایید می‌کند. در همین مجموعه زیبا، از جمله اشیای اهدایی بانو ایران دست‌غیب، گلدان‌های شیشه‌ای با تزئینات سنگ‌های رنگین نیز به چشم می‌خورد که وجهی دیگر از هنر طرف‌های مذهب